اگر بخواهیم کنترلِ جائی مثلِ کلاس را در دست داشته باشیم چه کنیم؟! **دست از کنترل برداشته! مدیریت کنیم!**

که **مدیریتِ کلاس**! چیزی ْ جز شکل دادن! به **روابطِ** همکارانهٔ بچه‌ها و معلم! در کلاسِ درس نیست. (**اجتماع یادگیری!**)

شروع! شناختِ کلی بچه‌ها! چه، وقتی موجودی را نشناسیم! آگاهانه یا ناآگاه! خواسته یا ناخواستهْ چه بلاها ممکن است بر سرش بیاوریم! با آشنائی زدائی، مانعِ توهّمِ دانائی! با دریافتِ ادراکِ کلی و دانشِ پیشینِ بچه‌ها در بارهٔ چرائیِ مدرسه، آموزش، یادگیری و... (**تفکر نقاد!**)

هدفِ آموزش نه فقط **انتقالِ** اطلاعات. بل، رشدِ خرد و فهمِ معنا است. **اما آموزشِ** رسمیِ مدرسه‌ای، **یادگیری** را با جدا کردن از زندگی ْ **نابود**! و **دانش** را به واحدهای استاندارد قابلِ امتحان ْ مقایسه و رقابت ْ **تقلیل**! و **کودک** را به مصرف کنندهٔ صرفِ محتوا ْ **تبدیل**! که به زبان، قصه، حافظه و خردِ محلی و بومی! **بی اعتنا** و به یادگیریِ خودانگیخته‌اش ْ **بی اعتماد** و جامعه هم.... آری! **دانش آموز** در مدرسه فرمول حفظ می کند، اما در **زندگی** معنای آن را نمی بیند. **دانش** ْ انتزاعی، بی ریشه و جدا از تجربه!... و وقتی **مدرسه! خطرناک تر** می شود که خود را تنها محلِ یادگیری بداند و تجربهٔ زندگی را بی ارزش نماید و کودک را فقط **دانش آموز** ببیند! **نه، مدرسه** باید دوباره به **زندگی** وصل ْ شده آنگاه می تواند به فضایی برای گفت و گو و تجربهٔ مشترک بدل شود، نه نهادی برای کنترل و استاندارد سازی! **و اما** برای **کودکانِ امروز با فقدانِ مهارت‌های پیشینی و...** امن ترین بسترِ **آموزش** برای **غنی سازیِ یادگیری** ْ به گونهٔ **طبیعی** ْ **زیسته** از **هم بودن** و **هم نشینیِ انسانی** ْ برای فهمیدنِ **زندگی** ْ نه صرفا برای **رساندن** کسی به سطح بالاتر! بدونِ تحقیر خدهْ اعتماد ْ بازسازیْ امنیتِ روانی ْ ایجاد و حافظهْ بدن ْ و احساسْ واردِ یادگیری شود! چه، هر کودک ْ توانایی یادگیری داشته و تجربهٔ زیسته و دانشِ پیشین اش ْ یکی از منابعِ یادگیری اوست! **از این رو؛ چند تغییرِ ضروری** ْ! تا **مدرسهٔ مصنوعیِ نهادی** ْ **اجتماعِ یادگیریِ طبیعی** شود:

- تغییر نقشِ **معلم**؛ از **انتقال دهندهٔ دانش** به ْ **همراهِ یادگیری**! نه تنها منبع! بل، زمینهٔ **درگیری**، توسعهٔ **تجربه** و... را مهیا سازد.
- تغییر نقشِ **دانش آموز**؛ از **دریافت کنندهٔ درس** به ْ **کُنشگرِ یادگیری**! نه شنوندهٔ تنها. بل، توسعه دهندهٔ **تجربه، انتخاب، ساختِ دانش** و...
- تغییر مفهومِ **درس**؛ از **محتوایِ کتاب** صرف ْ به **مسئله‌هایِ واقعیِ زندگی! پروژه**ها، **تجربه**های زندگی و ...
- تغییر **ارزیابی**؛ از **نمره و آزمون** به ْ **مشاهده، بازخورد** و تمرکز بر **روایتِ دانش آموز، رشدْ پیشرفت** و **تجربه**، نه مقایسه، رقابت و رتبه بندی!
- تغییرِ **فضایِ کلاسِ کنترل شده**! به ْ **فضایِ گفت و گو و همکاری**! جایی برای **مشارکت، تجربه** و **تعامل**، نه فقط **سکوت و اطاعت**. زیرا؛

یادگیری نه **مقصد** ْ بل، پیامدِ طبیعیِ زیستن ْ و کیفیتِ رابطهٔ انسانی است! که در **گفت و گو** ْ در **سکوت** ْ در **خاطره** ْ در **رنج** ْ در **مقاومت** ْ رخ می دهد!

اینک! برای عملیاتی کردنِ **مدیریتِ کلاس**! **توانائیِ خودمان** را با **بچه‌هائی** که برای **باهم زیستن** ْ شبیه مانیستند **تقسیم** کنیم (**چالشِ دمکراسی**)! با **تعامل**؛ برای رسیدن به اهدافِ مشترک ْ در محیطی غنی، **دوستانه**! (لذت بخش) **منصفانه**! (پذیرشِ شرایط و موقعیتِ فرد) و البته **قاطعانه**! لیک قاطعیتی ْ **عاشقانه**! تا منجر به **اعتماد** ْ شود. که هم افزایی و **هم آفرینی**! به دنبال داشته و با آن به تقویتِ قابلیت‌هایِ خویش پرداخته، کار کردن ْ به طور سازنده را با شخصیت‌هایِ متنوع ْ آموخته و نیز چگونگیِ ایفایِ نقش را به عنوان یکی از اعضایِ گروه، فرا بگیرند و بتوانند از دیدگاه‌های گوناگون ْ بهره برده به شفاف سازی و بسطِ افکار و برداشتِ خویش به عنوانِ شهروندانی ْ نوع دوست ْ با اخلاقِ همدلی و باشوقِ یادگیری ْ بپردازند.

شروعِ کاربردی برای **مدیریتِ انگیزه‌ها** و **هیجانات** بچه‌ها! با گفت و گو و **نظرخواهی** از خودِ بچه‌ها (ماهانه/هفتگی/روزانه!):

خُب، **بچه‌ها!** حالا که دور هم گرد آمده‌ایم. راستی **بچه‌ها!** چرا این جائیم؟ می خواهیم چه کنیم؟ اصلا رؤیا و هدف‌هاتون چیست؟ برای رسیدن به آن‌ها چه چیزهائی لازم است؟ **بچه‌ها!** دوست دارید فضا را چگونه بسازیم؟ و با چه روشی اقدام کنیم؟ **نظرِ شما** برای من مهم است! با هم گفت و گو کنید! نظرِ **مشارکتی**! به من بدهید! **من**، هم، همراهِ شما هستم ْ توبازی‌هاتون، توبرنامه‌ها و فعالیت‌هاتون! نمی گذارم به کسی بد بگذره. همه با **حالِ خوب** و **خوش**! تا همگی به اهدافِ مون از آمدن به مدرسه برسیم! با **ساختِ آینده و جهانی انسانی و زیبا برای همگان**! **از هم اکنون!**

قرارِ کلاسی: با پیام‌هایِ مثبت و قرار و قواعدِ توافقی! با **نظرخواهی** از بچه‌ها، البته با آگاهی بخشی و تعدیلِ از سویِ معلم!

نصب در کلاس	
معلم: شما به خاطر شادی‌هاتان هم تشویق می‌شوید!	همه باهوشیم. مهم، تلاش و پشتکار ماست!
کسی به خاطر انسان بودنش تنبیه نمی‌شود!	رفتار شما را جدا از شخصیتتان باهم بررسی می کنیم!
اشتباه کردن اشکالی ندارد. از اشتباهات خود درس بگیریم!	نظر شما برای رسیدن به اهدافمان راه گشاست!
نقد و پرسشگری شما نسبت به آموزش‌ها، ارزشمند است!	بچه ها:
هریک از ما به شیوهٔ خودش یادمی گیرد. تفاوت‌های فردی!	اگر من حقی دارم در برابرش مسئولیت هم دارم!
همکاری و کمک خواستن! عاقلانه است. تنهایی نمیشه!	انتخاب آزاد و باآگاهیه و مسئولیت انتخابم را دارم!
جرأت داشتن برای خلاقیت و انجام کار بهتر و بیشتر!	قرار و قواعد رفتاری:
درک و فهم، مهم تر از حفظ کردن است!	مراقب هم باشیم، آسیب نرساندن به خود و دیگری!
گذشته را نمی‌شود تغییر داد! از آن درس بگیریم!	باهم همکاری کنیم!
آینده از آنِ آینده سازان است. باپیش‌بینی و ساخت آن!	باهم بخندیم، به هم نخندیم و...!
نمرات به اندازهٔ مهارت ها و... ارزشمند نیستند!	آراستگی کلاس در پایانِ درس!
همه می توانند یاد بگیرند!	و...!
امضا و اثرانگشت بچه‌ها و معلم!	تا نظرشما بزرگواران ادامه باهم...